


Glottal Stops and Glottalized Vowels in Persian: A Reply to Navab Safavi et al

Ali Pirhayati*  | Ph.D. in Linguistics, Tehran University, Tehran, Iran

Abstract

In their article in *Elm-e Zaban* (Volume 7, Issue 11) titled “Acoustic Analysis of Glottal Stop Occurrence before Initial Vowels in Persian Words”, Navab Safavi et al report the findings of their research on the acoustic features of the glottal stop before the word-initial vowels in the Persian language and try to answer the question whether this sound is a phoneme or not. The research is based on the recorded pronunciation of some non-words with the CVCV syllable structure and also 30 Persian words with word-initial glottal stops (or “vowels” as the authors argue). The authors suggest that the criteria for the existence of the glottal stop consonant in the word group are not verified and conclude that a full glottal stop with the characteristics of a consonant does not exist before the word-initial vowels in the Persian language. It seems that this acoustic research suffers from weaknesses in terms of assumptions, critique of previous studies, methodology, conclusion, and references. The most serious weakness is the confusion between the realms of phonology and phonetics, and the lack of distinction between the status and characteristics of the two branches of linguistics. This reply takes up a number of phonological and methodological issues which challenge the main conclusions of the authors.


Keywords: Glottal stop, Glottalization, Syllable structure, Acoustic phonetics.

* Corresponding Author: pirhayati@ut.ac.ir

How to Cite: Pirhayati, A. (2022). Glottal Stops and Glottalized Vowels in Persian: A Reply to Navab Safavi et al. *Language Science*, 9 (15), 457-470. Doi: 10.22054/ls.2021.60019.1443



نقدی بر مقاله «بررسی صوت‌شناختی رخداد انسدادی چاکنایی پیش از واژه آغازین در واژگان زبان فارسی»

علی پیرحیاتی*  دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

نواب صفوی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای که در شماره یازدهم نشریه علم زبان (بهار و تابستان ۱۳۹۹) با عنوان "بررسی صوت‌شناختی رخداد انسدادی چاکنایی پیش از واژه آغازین در واژگان زبان فارسی" منتشر شده است، به گزارش پژوهش خود راجع به ویژگی‌های آکوستیک بست چاکنایی پیش از واژه‌های آغازین در زبان فارسی پرداخته‌اند. این پژوهش بر پایه بررسی تلفظ هجای اول و دوم تعدادی ناواژه با ساخت هجایی CVCV و همچنین هجای اول سی واژه فارسی با استفاده از نرم‌افزار پرت انجام شده است. نتیجه‌گیری اصلی پژوهشگران آن است که همخوان انسدادی چاکنایی، با توجه به انسداد ناقص پیش از واژه‌ها، به‌عنوان واج مستقل در ابتدای واژه‌های فارسی وجود ندارد و بست چاکنایی در این واژه‌ها، از ویژگی‌های واژه آغازین به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد مقاله مذکور از نظر پیش‌فرض‌ها، نقد پژوهش‌های پیشین، روش تحقیق، نتیجه‌گیری، و منابع و ارجاعات دچار اشکالاتی است و خصوصاً در آن، دو حوزه آواشناسی و واج‌شناسی، و جایگاه و ویژگی‌های هر یک از این دو حوزه با یکدیگر خلط شده است. در یادداشت حاضر به بررسی نقاط ضعف مقاله مذکور می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: بست چاکنایی، چاکنایی‌شدگی، ساخت هجایی، آواشناسی آکوستیک.

۱. مقدمه

بررسی جایگاه بست چاکنایی در نظام آوایی زبان فارسی همواره با بحث و اختلاف نظر در میان محققان همراه بوده است. بخشی از اختلافات به ماهیت کلی این آوا مربوط می‌شود که از نظر محل و نحوه تولید، ویژگی‌هایی چالش‌زا دارد و به آسانی در طبقه‌بندی‌های آوایی و واجی نمی‌گنجد. بخش دیگری از اختلافات، مربوط به ویژگی‌های خاص این آوا در زبان فارسی است. از یک سو، این واج در واژه‌های فارسی سره وجود نداشته و یک واج قرضی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، نحوه توزیع آن در میان کلمات بسیط و مرکب فارسی، حذف آن در برخی بافت‌ها و کاربردش در التقای واژه‌ها باعث می‌شود نتوان به راحتی درباره جایگاه واجی آن تصمیم‌گیری کرد.

یکی از پژوهش‌هایی که به جنبه‌های صوت‌شناختی بست چاکنایی در زبان فارسی پرداخته، مقاله‌ای با عنوان «بررسی صوت‌شناختی رخداد انسدادی چاکنایی پیش از واکه آغازین در واژگان زبان فارسی» به قلم زهرا نواب صفوی، محمدهادی فلاحی و محمدرضا فلاحتی قدیمی فومنی (از این پس «نگارندگان») است که در شماره یازدهم نشریه علم زبان (بهار و تابستان ۱۳۹۹) منتشر شده است. این مقاله، گزارشی از یک پژوهش آکوستیک راجع به ویژگی‌های بست چاکنایی در زبان فارسی است. در این پژوهش، تعدادی واژه فارسی و نیز تعدادی ناواژه توسط ۱۶ نفر خانم فارسی‌زبان (از اعضای انجمن دوبله و گویندگی فارس) تلفظ و ضبط شده و با استفاده از نرم‌افزار پرت مورد تحلیل قرار گرفته است. مهم‌ترین نتیجه‌گیری تحقیق آن است که «معیارهای وجود همخوان انسدادی چاکنایی در گروه واژه تأیید نمی‌شوند» و «در نتیجه، همخوان انسدادی چاکنایی به عنوان واج مستقل، به شمار نمی‌آید.»

از آنجا که پژوهش مذکور، برپایه بررسی‌های صوت‌شناختی، به نتیجه‌گیری‌های مشخص راجع به وضعیت واجی بست چاکنایی پرداخته است، نگارنده این سطور بر آن شد که به نقد و بررسی آن بپردازد، با این امید که با طرح چنین بحث‌هایی بتوان برخی از چارچوب‌های کلی پژوهش راجع به موقعیت این واج در زبان فارسی را روشن کرد. به نظر می‌رسد مقاله مذکور با اشکالاتی در پیش‌فرض‌ها، روش تحقیق، نتیجه‌گیری و منابع و ارجاعات مواجه است که در یادداشت حاضر به آنها اشاره می‌شود. مهم‌ترین نقطه ضعف

مقاله، خلط میان آواشناسی و واج‌شناسی و سوء‌برداشت از نقش مطالعات صوت‌شناختی در واج‌شناسی زبان فارسی است.

۲. بررسی و تحلیل اشکالات مقاله

۱-۲. خلط آواشناسی و واج‌شناسی

مهم‌ترین اشکال مقاله مذکور آن است که در آن ویژگی‌های آواشناختی یک آوای زبانی با جایگاه آن آوا در نظام آوایی زبان خلط شده است و در جای‌جای مقاله، شاهد تذبذب میان حوزه‌های آواشناسی و واج‌شناسی هستیم. این اشتباه از همان آغاز مقاله به چشم می‌خورد. مثلاً براساس آنچه در چکیده آمده، مقاله مذکور «می‌کوشد ماهیت صوت‌شناختی انسدادی چاکنایی را پیش از واژه آغازین در زبان فارسی، مشخص سازد و به این پرسش پاسخ دهد که آیا این آوا در آن جایگاه نقش همخوان دارد یا ویژگی واژه آغازین در زبان فارسی است». این در حالی است که اصولاً تعیین «نقش» یا جایگاه یک آوا در زبان فارسی که مسئله‌ای واج‌شناختی است، صرفاً با بررسی «ماهیت صوت‌شناختی» آن امکان‌پذیر نیست. نگارندگان اشاره می‌کنند که بر اساس نتایج پژوهش، «انسداد کاملی که ویژگی‌های صوت‌شناختی یک همخوان را داشته باشد، پیش از واژه‌های آغازین در واژگان زبان فارسی وجود ندارد». صرف‌نظر از این تناقض که «ویژگی صوت‌شناختی» امری فیزیکی است و اصولاً نمی‌تواند در «واژگان» که امری انتزاعی است، وجود داشته باشد، می‌دانیم که واج‌ها در سطوح انتزاعی بررسی زبان مطرح می‌شوند و حتی ممکن است بدون نمود آوایی باشند. پس حتی اگر در بررسی‌های آواشناختی ببینیم که یک عنصر زبانی در برخی موقعیت‌ها دارای هیچ‌گونه نمود آوایی نیست، باز هم به این معنا نخواهد بود که در بازنمایی واجی وجود ندارد. همان‌طور که ادوارد ساپیر^۱ در مقاله «واقعیت روان‌شناختی واج‌ها» (۱۹۳۳) در اولین بررسی‌های واج‌شناختی در قرن بیستم تأکید می‌کند، واج‌ها در وهله اول دارای «واقعیت روان‌شناختی» هستند و ممکن است در زنجیره گفتار وجود نداشته باشند (Kenstowicz, 1994: 4). از طرف دیگر، ویژگی‌های تولیدی و صوتی یک آوا لزوماً تعیین‌کننده نقش واجی آن نیست، هر چند ممکن است میان آنها نسبتی وجود داشته باشد.

1. Sapir, E.

به‌عنوان یک نمونه ساده، می‌توان به غلت‌ها اشاره کرد که از نظر آوایی، شبیه واکه‌ها هستند، اما در واج‌شناسی، نقش همخوان دارند.

لذا برای تعیین اینکه آوای خاصی در بازنمایی واجی وجود دارد یا خیر و خصوصاً بررسی بست چاکنایی در زبان فارسی که اختلاف نظر راجع به آن بیش از نیم قرن قدمت دارد، نیازمند شواهدی گسترده از پژوهش‌های مربوط به تولید و ادراک بست چاکنایی گرفته تا بررسی نسبت این آوا با آواهای دیگر، زبان‌آموزی کودک، روان‌شناسی زبان و حتی وزن شعر هستیم. البته مطالعات آکوستیک نیز می‌تواند شواهدی برای تعیین جایگاه بست چاکنایی باشد، اما به‌هیچ‌وجه نمی‌توان از آن به‌عنوان تنها استدلال یا استدلال اصلی در این بحث استفاده کرد. در مقاله مذکور می‌بینیم که حتی بررسی تحقیقات پیشین نیز عمدتاً مربوط به زبان‌هایی مثل هلندی و انگلیسی است که بست چاکنایی در آنها واج نیست.

نگارندگان (۱۳۹۹: ۱۹۹) نتیجه پژوهش‌های مربوط به بست چاکنایی را در زبان فارسی به دو دیدگاه به شرح زیر تقسیم می‌کنند: «گروهی که معتقدند یک همخوان انسدادی چاکنایی، پیش از واکه در ابتدای واژه‌های فارسی قرار می‌گیرد» و «گروهی که معتقدند انسداد چاکنایی پیش از واکه آغازین، از ویژگی واکه‌های آغازین است و نه یک واج مستقل.» با توجه به این دسته‌بندی کاملاً روشن است که نگارندگان به ویژگی‌های آوایی توجه داشته‌اند. از سوی دیگر، صورت‌بندی دیدگاه‌ها به این شکل، تصویر صحیحی از اختلاف نظرها به دست نمی‌دهد. تا آنجا که نگارنده این سطور اطلاع دارد، همه پژوهشگران، وجود بست چاکنایی پیش از واکه در ابتدای واژه‌های فارسی (خصوصاً در ابتدای پاره‌گفتار) را می‌پذیرند، و تنها در واج بودن آن اختلاف نظر دارند. به عبارت دیگر، دیدگاه اول شامل همه پژوهشگران می‌شود. از طرف دیگر، کسانی که بست چاکنایی را در ابتدای واژه‌های فارسی واج نمی‌دانند، لزوماً آن را به صورت «ویژگی واکه آغازین» تعریف نکرده‌اند. حتی سپینتا (۱۳۵۲: ۶۴) که معتقد است «این بست جزو خاصیت مصوت‌های آغازی زبان فارسی» است، باز هم در جای‌جای مقاله خود تصریح می‌کند که یک «بست چاکنایی» در ابتدای این مصوت‌ها وجود دارد.

نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۲۴-۲۲۵) در بخش دیگری از مقاله، باز هم بر همین تقسیم‌بندی دیدگاه‌ها با ارجاع به پژوهشگرانی که در هر دسته قرار می‌گیرند، تأکید می‌کنند. اینجا می‌بینیم که اولاً پژوهش‌های ذکرشده ترکیبی از پژوهش‌های آوایی و واجی هستند و ثانیاً

پژوهشگرانی که با یکدیگر اختلاف نظر اساسی دارند، در یک دسته قرار گرفته‌اند. به هر حال، به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی مناسب دیدگاه‌ها در این مورد به این ترتیب خواهد بود: (۱) پژوهشگرانی که بست چاکنایی را در ابتدای تمام واژه‌های فارسی واج می‌دانند (ثمره، ۱۳۷۸؛ Windfuhr, 1979)؛ (۲) پژوهشگرانی که بست چاکنایی را در ابتدای واژه‌های فارسی سره (غیرقرضی) واج نمی‌دانند (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۱؛ Bijankhan, 2008)؛ و (۳) پژوهشگرانی که بست چاکنایی را در ابتدای هیچ کدام از واژه‌های فارسی اعم از قرضی و سره واج نمی‌دانند (سپنتا، ۱۳۵۲؛ Jahani, 2005).

نگارندگان، واژه‌های آغازین در زبان فارسی را با استفاده از مفهوم چاکنایی‌شدگی و به صورت «واکه‌های چاکنایی‌شده» توصیف می‌کنند و به این ترتیب، اعتقاد دارند که بست چاکنایی در ابتدای این واژه‌ها را نمی‌توان «همخوان» نامید. نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۰۱) اشاره می‌کنند که «چاکنایی‌شدگی ویژگی‌ای است که طی تولید دومین به آوا اضافه می‌شود». ذکر چند نکته درباره این مفهوم و برداشتی که نگارندگان از آن داشته‌اند، ضروری است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

هر چند برخی منابع، چاکنایی‌شدگی را تحت‌عنوان «تولید ثانویه»^۱ مطرح کرده‌اند، اما چنین توصیفی، خصوصاً در پژوهشی که به تعیین جایگاه واجی بست چاکنایی می‌پردازد، از چند جهت محل اشکال است. اول اینکه «چاکنایی‌شدگی» یکی از چهار فرایند رایج تولید ثانویه (لبی‌شدگی، کامی‌شدگی، نرم‌کامی‌شدگی و حلقی‌شدگی) نیست. این اصطلاح چنان که گرلک^۲ (۲۰۱۳: ۵) تأکید می‌کند، تعریف مشخصی ندارد و در بافت‌های گوناگونی به کار می‌رود. پژوهش خود گرلک هم بر بررسی آوایی بست چاکنایی از نظر تولید و درک با استفاده از گویشوران زبان انگلیسی متمرکز است. لدفوغد و جانسون^۳ (2011) در کتاب خود که یکی از منابع اصلی آواشناسی است، هیچ اشاره‌ای به چاکنایی‌شدگی نکرده‌اند. دوم اینکه، بسیاری از منابعی که به چاکنایی‌شدگی اشاره کرده‌اند، آن را به معنای اضافه شدن بست چاکنایی بعد یا قبل از آوای اصلی به کار برده‌اند. در این صورت، تولید بست چاکنایی بر خلاف فرایندهای تولید ثانویه اصولاً همزمان با آوای اصلی صورت نمی‌گیرد و مشمول آن تعریف نخواهد بود. سوم اینکه، اگر تولید ثانویه، بنا به تعریف، عبارت باشد از حرکت

1. Secondary articulation

2. Garellek, M.

3. Ladefoged, P., & Johnson, K.

اندام تولید گفتار، با میزان بست ضعیف‌تر نسبت به آوای اصلی، پس چاکنایی‌شدگی که افزودن نوعی بست کامل یا ناقص است، نمی‌تواند تولید ثانویه بسیاری از آواها خصوصاً واکه‌ها باشد و در مواردی که بست چاکنایی همزمان با همخوان‌های انسدادی تولید شود، باید آن را نوعی تولید دوگانه^۱ و نه ثانویه به شمار آورد.

به این ترتیب، باید تأکید کرد که «چاکنایی‌شدگی» نوعی مفهوم اعتباری است و آواشناسان و واج‌شناسان، برحسب پژوهش خاصی که انجام می‌دهند، می‌توانند آن را به شکل متفاوتی تعریف کنند. بنابراین، استفاده از این اصطلاح برای بحث راجع به جایگاه بست چاکنایی در ابتدای واژه‌های فارسی مناسب به نظر نمی‌رسد. به تعبیر دیگر، با توجه به نکاتی که گفته شد، آنچه را نگارندگان در پژوهش خود مورد توصیف و بررسی قرار داده‌اند، در آواشناسی می‌توان به دو صورت «تسلسل بست چاکنایی و واکه» یا «واکه چاکنایی‌شده» توصیف کرد، اما در نظام آوایی یا واج‌شناسی زبان فارسی، تنها یکی از این دو توصیف را می‌توان ارائه داد که این امر تنها با بررسی نسبتی که آواها با یکدیگر دارند، امکان‌پذیر خواهد بود.

از سوی دیگر، «چاکنایی‌شدگی» بنا به تعریفی که خود نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۲۹) به دست می‌دهند «اضافه کردن یک انسداد ناقص یا کامل به فرایند تولید آوایی است که این ویژگی را در تولید نخستین خود ندارد». بر اساس این تعریف، حتی اگر پژوهش آکوستیک نگارندگان به این نتیجه می‌رسید که انسداد کامل پیش از واکه‌ها وجود دارد، باز هم با «چاکنایی‌شدگی» مواجه بودیم. پس نهایتاً آنچه می‌تواند نتیجه مشخصی درباره جایگاه واجی بست چاکنایی به دست دهد، شواهدی غیر از داده‌های پژوهش مذکور است.

خلط میان آواشناسی و واج‌شناسی به شکلی دیگر در پژوهش جهانی^۲ (۲۰۰۵) با عنوان «بست چاکنایی: در فارسی گفتاری نو واج است یا خیر؟» که مورد ارجاع نگارندگان نیز قرار گرفته است، وجود دارد. هر چند با توجه به پرسشی که در عنوان این مقاله مطرح شده، انتظار می‌رود مقاله مشخصاً به نفع واج‌شماری بست چاکنایی یا علیه آن استدلال کرده باشد، اما تقریباً هیچ استدلالی در سراسر این مقاله وجود ندارد و نویسنده صرفاً به توصیف آواشناختی وقوع بست چاکنایی در گفتار فارسی‌زبانان پرداخته است. او همچنین ساخت هجایی زبان

1. double articulation

2. Jahani, C.

فارسی را به صورت $V(C(C))$ مشخص کرده است، اما چنان که در بخش پایانی یادداشت حاضر توضیح می‌دهیم، حتی در صورتی که بست چاکنایی را در آغاز واژه‌ها واج به‌شمار نیاوریم، باز هم باید ساخت هجایی زبان فارسی را به صورت $CV(C)(C)$ یعنی همراه با آغاز اجباری نشان دهیم.

در پایان باید گفت همان‌طور که خود نگارندگان (۱۳۹۹: ۱۹۹) به درستی تذکر می‌دهند، بست چاکنایی دارای ویژگی‌های آوایی ناپایدار و وضعیتی متغیر و بی‌ثبات است. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد در گفتار گویشوران زبان‌های مختلف، عموماً با بست‌های چاکنایی ناقص روبرو هستیم و حتی لدفوگد و مدیسون^۱ (75: 1996) معتقدند بست چاکنایی حقیقی تنها در آواهای مشدد، مثلاً در عربی، رخ می‌دهد. بنابراین، دستاورد اصلی تحقیق که همان کامل نبودن بست چاکنایی در ابتدای واژه‌های فارسی باشد، به‌هیچ‌وجه دور از انتظار نیست و لذا نمی‌توان از آن نتیجه‌ی مشخصی راجع به جایگاه واجی بست چاکنایی گرفت.

۲-۲. اشکالات روش‌شناختی

نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۱۲) پژوهش خود را از جمله «تحقیقات کاربردی» می‌دانند و تحقیق کاربردی را به نقل از فرهادی (۱۳۸۱) چنین تعریف می‌کنند: «پژوهش کاربردی تلاش می‌کند که از نتایج تحقیقات محض، در جهت به‌کار بستن آن‌ها در دنیای حقیقی علم، استفاده کند».

ابتدا لازم به ذکر است که کلمه «علم» به تعریف مذکور اضافه شده و در منبع اصلی وجود ندارد. عبارت «دنیای حقیقی علم» هم در چنین بافتی بی‌معناست. گویا نگارندگان گمان کرده‌اند اگر داده‌ها را به صورت میدانی به دست آوریم، با «تحقیق کاربردی» سروکار داریم، اما روشن است که این تحقیق به‌هیچ‌وجه کاربردی نیست، زیرا تحقیق در صورتی کاربردی محسوب می‌شود که در آن، از علم نظری برای حل یک مشکل یا رسیدن به هدفی عملی استفاده کنیم. مثلاً استفاده از دانش نظری زبان‌شناسی در گفتاردرمانی یا آموزش زبان‌های خارجی می‌تواند نمونه‌ای از تحقیق کاربردی باشد. اگر در آینده از نتایج این پژوهش آکوستیک برای ارتقای نرم‌افزارهای پردازش زبان فارسی استفاده شود و گزارش

1. Ladefoged, P., & Maddieson, I.

چگونگی این استفاده در مقاله‌ای ارائه گردد، آن مقاله را می‌توان گزارش تحقیقی کاربردی دانست.

پژوهش مذکور شامل دو نوع داده است: (الف) تلفظ شش ناواژه دوهجایی با ساخت CVCV که در آنها، همخوان اول، سایشی چاکنایی و همخوان دوم، بست چاکنایی است و هر دو هجای آنها به‌طور مجزا مورد بررسی قرار گرفته است؛ (ب) تلفظ سی واژه فارسی با ساخت‌های هجایی مختلف که (به‌زعم نگارندگان) با واکه آغاز می‌شوند و هجای اول آنها بررسی شده است.

چند نکته راجع به داده‌ها می‌توان مطرح کرد. اولاً، آیا نباید ناواژه‌هایی که با بست چاکنایی آغاز می‌شوند نیز در داده‌های پژوهش گنجانده می‌شد تا از نظر تولیدی، ویژگی‌هایی شبیه واژه‌های فارسی مورد بررسی داشته باشند؟ ثانیاً، آیا نباید واژه‌هایی که با واکه آغاز می‌شوند، با واژه‌هایی که بست چاکنایی در میان یا پایان آنها وجود دارد نیز مقایسه می‌شدند (یعنی مواردی که در مورد واج‌بودن بست چاکنایی در آنها توافق نظر وجود دارد)؟ همچنین، واژه‌ها به‌صورت انفرادی و نه در بافت طبیعی زبان ضبط شده‌اند که نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۳۱) از آن به‌عنوان «محدودیت پژوهش» یاد می‌کنند. نکته دیگر آن است که تلفظ‌کنندگان واژه‌ها و ناواژه‌ها، همگی خانم و از اعضای فعال انجمن دوبله و گویندگی فارس بوده‌اند. حال پرسش اینجاست که اعضای این انجمن که ویژگی‌های خاصی از نظر گفتاری دارند و احتمالاً گفتار آنها دارای برجستگی‌های خاصی است، چگونه می‌توانند نمونه مناسبی برای نتیجه‌گیری‌های آوایی و واجی در زبان فارسی باشند؟

نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۱۴) اشاره می‌کنند که واژه‌های برگرفته از فرهنگ معین، در مرحله اول پژوهش، به سی نفر از افراد فارسی‌زبان بزرگسال باسواد داده شده تا واژه‌های متداول را استخراج کنند. با توجه به اینکه نگارندگان از دانشجویان و استادان زبان‌شناسی رایانه‌ای هستند و در شرایطی که با استفاده از پیکره‌ها به‌راحتی می‌توان واژه‌های رایج را به‌صورت موثق استخراج کرد، این پرسش مطرح می‌شود که چرا انتخاب واژه‌های رایج به افراد سپرده شده است.

نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۱۳) در قسمت روش پژوهش، این نکته را ذکر می‌کنند که برای بررسی آکوستیک انسدادی چاکنایی، «[...] لازم است ویژگی‌های آکوستیکی واکه پس از انسداد چاکنایی بررسی شود، زیرا انسداد چاکنایی ویژگی کمی قابل اندازه‌گیری ندارد».

معنای این جمله مشخص نیست و این شبهه را پیش می‌آورد که گویی بررسی آکوستیک بست چاکنایی با سایر آواها متفاوت است. این در حالی است که بست چاکنایی، همچون سایر آواها و خصوصاً آواهای انسدادی، دارای ویژگی‌های آکوستیک مشخص مثل سکوت و افت شدت انرژی و غیره است و بنابراین «ویژگی‌های کمی قابل اندازه‌گیری» دارد (صادقی، ۱۳۸۹: ۵۲).

۲-۳. سایر اشکالات

نگارندگان در مقدمه آورده‌اند: «آواشناسی آکوستیک، اصوات گفتار و امواج صوتی حاصل از آن را به وسیله دستگاه‌های فیزیکی مورد بررسی قرار می‌دهد و از آنجا که به هر نوع بررسی گفتار که به وسیله ابزار و دستگاه‌های الکترونیکی، مکانیکی و رایانه‌ای انجام شود، آواشناسی آزمایشگاهی می‌گویند، پس این دو زیرشاخه در ارتباط تنگاتنگ قرار دارند.» این در حالی است که در این توضیحات، با دو «زیرشاخه» مواجه نیستیم. آواشناسی آکوستیک طبق این تعاریف، بخشی از آواشناسی آزمایشگاهی است و صحبت از ارتباط تنگاتنگ آن دو موضوعیتی ندارد.

همچنین به نظر می‌رسد نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۱۲) در ارزیابی تحقیقات پیشین و جایگاه پژوهش خود، دچار نوعی بزرگ‌نمایی شده‌اند: «با وجود ابهامات و نظرات متفاوت بسیار درباره بودن یا نبودن همخوان انسدادی چاکنایی در آغاز واژه‌های فارسی، تحلیل و پژوهش در این مورد، بیشتر به صورت شنیداری، شمارش‌های آماری، با دستگاه‌های ضبط صوت ساده و همراه با اعمال نظرات و قضاوت‌های شخصی بوده است و حتی در موارد اندکی که با نرم‌افزار انجام شده است، به نتیجه قاطعی با این مضمون نرسیده‌اند.»

چگونه می‌توان بدون ارائه دلیل، در این باره که تحقیقات پیشین «همراه با اعمال نظرات و قضاوت‌های شخصی» است، اظهار نظر کرد و چرا باید تحقیقات قبلی درباره چنین مسئله بحث‌انگیزی به «نتیجه قاطعی» می‌رسیدند؟ همین جملات نشان می‌دهد نگارندگان به زعم خود به نتیجه قاطعی درباره بست چاکنایی آغازین در زبان فارسی رسیده‌اند!

نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۳۰) تأکید می‌کنند که با توجه به نتیجه پژوهش، الگوهای هجایی جدیدی یعنی V، VC، و VCC به فارسی اضافه می‌شود. این در حالی است که ساخت هجایی اصولاً در بازنمایی واجی انتزاعی مطرح نمی‌شود و حتی اگر به این نتیجه برسیم که برخی واژه‌های فارسی با واکه آغاز می‌شوند، ساخت هجایی زبان فارسی همچنان

Bijankhan, McCarthy, 2003: 2؛ ۱۶۲: ۱۳۸۴؛ (بی جن خان، CV(C)(C) خواهد بود (2008: 7).

نگارندگان (۱۳۹۹: ۲۳۰) همچنین با اشاره به اینکه برخی پژوهشگران، افزودن ساختار هجایی جدید به زبان فارسی را برخلاف اصل اقتصاد زبانی می‌دانند، خاطرنشان می‌کنند که «این مسئله توجیه قابل قبولی نیست؛ زیرا زبان‌های دیگر از جمله انگلیسی و آلمانی ساختار هجایی به مراتب پیچیده‌تر از فارسی دارند». چنان‌که اشاره کردیم، در هر حال ساخت هجایی جدیدی به زبان فارسی اضافه نمی‌شود، اما روشن است که درباره افزودن ساخت هجایی به زبان باید در قیاس با تحلیل‌های مشابه راجع به خود این زبان قضاوت شود، یعنی از میان دو تحلیل با شرایط مساوی که به واج‌شناسی زبان فارسی می‌پردازند، تحلیلی که ساخت‌های هجایی کمتری را برای فارسی در نظر می‌گیرد، بهینه‌تر خواهد بود. پس مقایسه تعداد هجاهای زبان فارسی با تعداد هجاهای زبان‌های دیگر در تعیین اقتصاد زبانی، بلاموضوع است.

در ارجاعات و منابع مقاله مذکور هم اشکالات بسیاری وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- اساسی‌ترین نقطه ضعف ارجاعات آن است که هیچ‌کدام از آنها دارای شماره صفحه نیست و بنابراین برای مخاطب مشخص نشده که نکات مورد اشاره از کدام بخش منابع ذکر شده گرفته شده است.
- در متن مقاله چند ارجاع به شماره (۱۳۷۶)، شماره (۱۳۸۳) و بی‌جن خان (۱۳۷۴) وجود دارد که در منابع نیامده است.
- تاریخ انتشار مقاله اسلامی و بی‌جن خان، به اشتباه ۱۳۷۴ ذکر شده است، در حالی که این مقاله در سال ۱۳۸۹ در کتاب *زبان فارسی و رایانه* (انتشارات سمت) منتشر شده است.
- در بخش منابع، مشخصات مقاله جهانی (۲۰۰۵) به‌طور کامل ذکر نشده و داده‌های کتاب‌شناختی کتابی که این مقاله در آن منتشر شده، ناقص است. شماره صفحات این منبع نیز اشتباه است.
- نام نویسنده یکی از مقالات انگلیسی مورد ارجاع که به ویژگی‌های بست چاکنایی در زبان انگلیسی می‌پردازد، در متن مقاله به صورت «فارس» آمده، در حالی که در فهرست منابع، نام نویسنده به صورت Sabri Fares, M. آمده و در متن هم باید نام خانوادگی او یعنی

- «صبری فارس» به طور کامل نوشته می‌شد؛ کما اینکه اعتبار مقاله‌ای راجع به بست چاکنایی در زبان انگلیسی که در مجله‌ای عراقی منتشر شده محل پرسش است و نگاهی گذرا به این مقاله نشان می‌دهد مطالب آن، در بهترین حالت، نسخه‌برداری از منابع دیگر است.
- در مورد نویسنده منبعی دیگر با نام Andrea Hoa Pham هم اشتباه مشابهی رخ داده و نام او در منابع با نام میانی‌اش به جای نام خانوادگی آغاز شده است.
 - در ارجاعات، گاهی از عبارت «و دیگران» استفاده شده و گاهی نام کامل نویسندگان آمده است.
 - یکدستی در استفاده از حروف بزرگ و کوچک انگلیسی در پانوش‌ها و نیز ارجاع به منابع دیده نمی‌شود. از طرف دیگر، گاهی فقط نام خانوادگی در پانوش آمده و گاهی نام کوچک و نام خانوادگی.
 - املاهای کلماتی مثل Shaghni، Nunchahnuth، Marshall و Glottolization در فهرست منابع غلط است.

۳. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، به بررسی اشکالات پژوهش نواب صفوی و همکاران (۱۳۹۹) راجع به ویژگی‌های آکوستیک بست چاکنایی در زبان فارسی پرداختیم و نشان دادیم این پژوهش دچار نوعی سوءبرداشت راجع به نقش مطالعات آکوستیک در تعیین وضعیت واجی آواهاست و حتی اگر داده‌های پژوهش کاملاً موثق باشد، باز هم نمی‌توان نتیجه مشخصی راجع به نقش بست چاکنایی در زبان فارسی از آن گرفت. همچنین به اشکالات پژوهش مذکور از نظر انتخاب آزمودنی‌ها و داده‌های پژوهش اشاره کردیم و نقص داده‌ها نسبت به اهداف پژوهش را نشان دادیم. در نهایت، به بررسی برخی اشکالات فرعی پژوهش مذکور از جمله چگونگی ارجاعات و منابع پرداختیم.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ali Pirhayati



<http://orcid.org/0000-0002-9236-0980>

منابع

- بی‌جن‌خان، محمود. (۱۳۸۴). *واحدشناسی: نظریه بهینگی*. تهران: سمت.
- ثمره، یدالله. (۱۳۷۸). *آواشناسی زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سپینتا، ساسان. (۱۳۵۲). همزه در زبان فارسی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۹، ۵۸-۷۰.
- صادقی، وحید. (۱۳۸۹). آواشناسی و واحدشناسی همخوان‌های چاکنایی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱/۲، ۴۹-۶۲.
- فرهادی، حسین. (۱۳۸۱). *اصول و روش تحقیق در زبان‌شناسی کاربردی*. ترجمه فاطمه جواهری کویانی و هاجر خان‌محمد. تهران: رهنما.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (۱۳۸۱). همزه در زبان فارسی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۱۶۴، ۲۸۳-۳۰۲.
- نواب صفوی، زهرا، محمدهادی فلاحی و محمدرضا فلاحتی قدیمی فومنی. (۱۳۹۹). بررسی صوت‌شناختی رخدادهای چاکنایی پیش از واژه آغازین در واژگان زبان فارسی. *علم زبان*، ۱۱/۷، ۱۹۷-۲۳۴.

References

- Bijankhan, M. (2018). *Phonology*. Oxford Handbooks Online, 1-45.
- Jahani, C. (2005). The glottal plosive: A phoneme in spoken modern Persian or not?. In É.Á. Csató, B. Isaksson & C. Jahani (Eds.), *Linguistic Convergence and Areal Diffusion: Case Studies from Iranian, Semitic and Turkic*, 79-96. London & New York: RoutledgeCurzon.
- Garellek, M. (2013). *Production and perception of glottal stops* [Doctoral Dissertation]. University of California.
- Kenstowicz, M. (1994). *Phonology in Generative Grammar*. Cambridge: Blackwell.
- Ladefoged, P. & I. Maddieson. (1996). *The Sounds of the World's Languages*. Oxford: Blackwell.
- Ladefoged, P. & K. Johnson. (2011). *A Course in Phonetics* (6th ed.). Boston: Wadsworth.
- McCarthy, J. (2008). *Doing Optimality Theory*. Massachusetts: Blackwell.
- Windfuhr, G. L. (1979). *Persian Grammar*. New York: Mouton Publishers.
- Bijankhan, M. (2005). *Phonology*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Farhadi, H. (2002). *Research Methodology in Applied Linguistics*. Tehran: Rahnama. [In Persian]

- Kord Zaferlu Kambuziya, A. (2002). Glottal stop in Persian. *Journal of the Faculty of Literature of the University of Tehran*, 164, 283-302. [In Persian]
- Navab Safavi, Z., Fallahi, M., Ghadimi Fomani, M. (2020). Acoustic analysis of glottal stop occurrence before initial vowels in Persian words. *Language Science*, 7(11), 197-234. [In Persian]
- Sadeghi, V. (2010). Phonetics and phonology of Persian glottal consonants. *Journal of Researches in Linguistics*, 1/2, 49-62. [In Persian]
- Samareh, Y. (2000). *Persian Phonetics*. Tehran: IUP. [In Persian]
- Sepanta, S. (1973). Glottal stop in Persian. *Journal of the Faculty of Literature of the University of Isfahan*, 9, 58-70. [In Persian]

استناد به این مقاله: بیرحیاتی، علی. (۱۴۰۱). نقدی بر مقاله «بررسی صوت‌شناختی رخداد انسدادی چاکنایی پیش از واژه آغازین در واژگان زبان فارسی». *علم زبان*، ۹ (۱۵)، ۴۵۷-۴۷۰. Doi: 10.22054/l.s.2021.60019.1443



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.